

تأثیر سمن‌های حقوق بشری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سیاوش ره‌پیک، اصغر ایمانی، سید باقر میرعباسی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

چکیده:

این نوشتار به جهت رسیدن به مفاهیم روشنی از حوزه‌های اثرگذاری سمن‌های حقوق بشری و شفاف کردن ارتباط مباحث امنیت ملی با فعالیت سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری به تبیین و تمییز بین فرصت‌ها و تهدیدات این حوزه پرداخته است. در این پژوهش از روش‌های کمی و کتابخانه‌ای جهت تحقق اهداف تحقیق بهره‌جسته‌ایم. با مطالعه دقیق منابع، انجام مصاحبه‌های عمیق با تصمیم‌گیران و اثرگذاران این حوزه و استفاده از تجربیات حضور در مجامع بین‌المللی، نحوه تأثیرگذاری سمن‌های حقوق بشر و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش ما را به این نکته رهنمون میکند که هر چند سمن‌ها در ارتقاء، توسعه و حمایت از حقوق بشر اثر مستقیم و مثبت دارند، اما استفاده ابزاری و سیاسی از سازمان‌های مردم‌نهاد در مناسبات، رقابت‌های سیاسی بین‌المللی که در تضاد با حاکمیت و امنیت می‌باشد، نیز محتمل است.

واژگان اصلی: امنیت، امنیت ملی، حقوق بشر، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)، تهدید.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) hosein.sayahi5@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

جودیت تدلر (۱۹۹۲) بر این نکته اشاره دارد که سمن‌ها در بسیاری مواقع خود را مقابل دولت تعریف می‌نمایند. دولتی که در تعریف این سازمان‌ها آورده می‌شود سلسله مراتبی، سخت، غیرقابل بوروکراتیک، بزرگ و ناتوان در رسیدگی به نیازمندان است. در صورتی که این سمن‌ها به‌عنوان نهادهایی تعریف شوند که خارج از حیطه و اقتدار دولت فعالیت می‌کنند، طیف گسترده‌ای را شامل میشوند. به‌طور معمول از یک پسوند دیگر هم برای تعریف دقیق‌تری می‌توان استفاده کرد. سمن‌ها، سازمان‌هایی داوطلب هستند، که در راستای بسیج نیرو و احساسات داوطلبان به منظور کاهش رنج‌ها و با هدف توسعه انسانی عمل می‌کنند. (استریتن، ۱۹۹۷: ۱۸)

حضور سمن‌ها در جامعه علاوه بر ایجاد شور و شوق در سطح فعالان جامعه موجبات رشد اقتصادی و فرهنگی را نیز به بار خواهد آورد و زمینه بروز خلاقیت‌ها و تفکرات سازنده را نیز در صورت نگاه مثبت در پی خواهد داشت. صاحب‌نظران با توجه به نقش مؤثر سمن‌ها در پیشبرد اهداف جامعه و دولت آن‌ها را به موج سوم در مدیریت جامعه تعبیر می‌کنند و حتی برخی معتقدند پیشرفت‌های علمی، تکنولوژی و اقتصادی ژاپن از نقش سازمان‌های غیردولتی در آن کشور بوده است. در حال حاضر جنبه‌های نظری مشارکت بین سازمان‌ها و اصول حاکم بر آنها از عمده‌ترین مسائل جامعه است در اصل مشارکت و مبانی نظری آنها دیدگاه‌های متناقضی وجود دارد، از این‌رو تا هنگامی که در جنبه‌های نظری مفهوم مشارکتی این سازمان‌ها در جامعه اشتراک نظر و دیدگاه مشترکی نداشته باشیم، در عمل نمی‌توانیم راه کارهای مناسبی را برگزینیم. (رابینز، ۱۳۸۱)

هر مقدار رواداری در داخل کشور در مورد سمن‌ها بیشتر باشد و ارتباط این سمن‌ها با دستگاه‌های حاکمیتی بیشتر شود، سمن‌ها بهتر می‌توانند فعالیت‌های خود را در جهت اهداف خود و ارتقاء امنیت ارائه نمایند.

سازکارهای حقوق‌بشری که در داخل بتواند فعالیت داشته باشند، منجر به افزایش امنیت خواهد شد و سمن‌ها به‌طور مستقیم در این زمینه نقش دارند.

در حالی که به‌علت مشکلات فعالیت سمن‌های حقوق‌بشری در داخل ایران، تمایل به ارائه اطلاعات نقض حقوق‌بشر به خارج از کشور بیشتر می‌شود و در نتیجه، مسایل امنیتی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. (ظریف، م، تیر ۱۴۰۲: مصاحبه شخصی)

حال آنکه به نظر می‌رسد درک و تعریف مشخص، واحد و قابل اجماعی از پدیده‌های «حقوق‌بشر»، «سازمان‌های غیردولتی» و «امنیت ملی» در میان بخش‌های مختلف جامعه، خصوصاً

تصمیم‌گیران و بازیگران این حوزه‌ها وجود ندارد. اختلاف برداشت‌ها و عدم اجماع و مفاهمه سبب ایجاد هزینه‌های زیادی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی برای کشور شده و بسیاری از فرصت‌های موجود تبدیل به تهدید گردیده است. تبیین صحیح این موضوعات فارغ از دسته‌بندی‌های سیاسی و مبتنی بر واقعیات موجود می‌تواند به کشور و تصمیم‌گیران کمک نماید.

بحث حقوق بشر از موضوعات مهم و فراگیر بین‌المللی و درحال توسعه و نفوذ در تمامی لایه‌های زندگی فردی و اجتماعی آحاد بشریت است. سرعت بالای رشد و فراگیری این موضوع باعث شده است که بازیگران زیادی در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی، دولتی و غیردولتی را درگیر خود نماید. نحوه برخورد و تعامل هریک از این بازیگران با پدیده حقوق بشر و همچنین تلقی و تعریف مشترک یا متفاوت از مقوله حقوق بشر و ازطرفی استفاده ابزاری و در راستای منافع خاصی (سیاسی) و یا تنها به نیت بهره‌مندی بشریت از توسعه و ارتقاء و حمایت از حقوق بشر مسائل مهمی است که قابل بررسی و تدقیق می‌باشد. در این تحقیق تمرکز ما بر یک گروه از بازیگران این عرصه یعنی سمن‌ها می‌باشد که در طول دهه‌های اخیر روزه‌روز و به‌صورت تصاعدی میزان حضور و تأثیر آنان بر موضوع حقوق بشر بیشتر گردیده است. توصیف این رشد و توسعه به همراه بیان برخی مصادیق مهم و تأثیرگذار، همچنین بررسی روش‌های تأسیسی و توسعه‌ای و تأثیرگذاری سمن‌ها، نقش این بازیگران کلیدی در مقوله حقوق بشر را بیش از پیش برای ما نمایان خواهد ساخت.

ازطرفی تحلیل روابط فی‌مابین سمن‌ها و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و جایگاه حقوقی آنان در سیستم‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی همچنین تحلیل تأثیرات مثبت یا منفی آنان بر امنیت ملی کشور مباحث بسیار مهمی است که تلاش داریم در این تحقیق به آنان بپردازیم.

پیشینه تحقیق

درخصوص سازمان‌های غیردولتی و جایگاه آن‌ها در نظام‌های بین‌المللی و کشوری چند کتاب و مقاله در داخل کشور و غالباً به قلم دکتر محمودرضا گلشن‌پژوه منتشر گردیده است و همچنین چند گزارش توصیفی و راهبردی درخصوص رویکرد سمن‌های بین‌المللی به وضعیت حقوق بشر ایران، آشنایی با توان این سازمان‌های بین‌المللی و همچنین روش‌های بهینه‌سازی در

تعامل با سازمان‌های غیردولتی حقوق‌بشری ایران و... توسط سازمان دفاع از قربانیان خشونت^۱ منتشر گردیده است. ضمن آنکه مطالعه دائم و مستمر و همراه با اقدام در این حوزه در مجامع بین‌المللی خصوصاً شورای حقوق‌بشر فعالیت عمده و جاری اینجانب در طی حداقل یک دهه اخیر می‌باشد.

در یک پژوهش که در مورد نقش سمن‌ها در امنیت ملی بنگلادش به قلم دکتر عماد الحق انجام شده است، ضمن اشاره به نقشی که سمن‌ها در گسترش نهاد‌های دموکراتیک در کشور داشته‌اند، بر ارتقا حقوق بشر به ویژه حقوق زنان و کودکان تاکید شده است. از دیگر سو این سازمان‌ها با افزایش دادن مطالبات و سطح توقع مردم از دولت، بر نارضایتی و اعتراضات افزوده‌اند.^۲

در پژوهش دیگری با عنوان "امنیت ملی و سازمان‌های غیردولتی در پاکستان" که توسط مبین رفانی^۳ انجام شده است، با بررسی‌های انجام شده، نشان داده می‌شود که سمن‌ها هم می‌توانند به عنوان شریان‌های حیاتی اجتماع و قوام‌دهنده دستگاه حاکمه باشند و هم می‌توانند نقش چالش برانگیزی در برابر امنیت ایفا نمایند.^۴

همچنین پژوهش دیگری در مجله علمی^۵ حقوق و سیاست با "عنوان نقش سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری: مدافع حقوق بشر یا تخریبگر حاکمیت دولت‌ها" انجام شده است که در آن ضمن تاکید بر نقش سازمان‌های غیردولتی به عنوان مدافعان حقوق بشر، به نقشی که سمن‌ها می‌توانند در تضاد با حاکمیت و امنیت داشته باشند، اشاره شده است.^۶

آنچه مشهود است این که در رابطه با اهمیت و نقش سمن‌ها در امنیت کشور مطالعات زیادی صورت نگرفته و مدارک قابل استنادی نیز در دست نمی‌باشد در این نوشتار این با دسترسی به بعضی منابع محدود سعی شده است نقش این‌گونه سازمان‌ها در ارتقا حقوق بشر و ایجاد امنیت در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار بگیرد.

در تحقیق پیش‌رو، بنا داریم فراتر از توصیفاتی که در منابع موجود ارائه شده به روش‌ها،

1 - Organization for defending victims of violence(NGO)

2- .(National Defence College /Military school in Dhaka, Bangladesh)

3 Mubeen Rafay1 , Nadeem Khan2 , Shahzad Ahmad3 1 .M.A International Relations, University of Sargodha, Pakistan

4 -<https://www.eajournals.org/wp-content/uploads/National-security-and-role-of-INGOs.pdf>

5- BALTIC JOURNAL OF LAW & POLITICS

6 : Baltic Journal of Law & Politics 4:2 (2011): 52-77 DOI: 10.2478/v10076-011-0012-5

مناسبات و چگونگی‌های اثرگذاری سمن‌ها و همچنین نسبت آنها با مقوله امنیت ملی بپردازیم که پیش از این به آن پرداخته نشده است.

۱- چهارچوب مفهومی و مبانی نظری

۱-۱- حقوق بشر

"حقوق بشر به‌عنوان حقوقی است که از ذات ما جدانشدنی می‌باشد و بدون آن نمی‌توانیم به‌عنوان انسان زندگی کنیم. حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، این امکان را فراهم می‌سازد تا صفات انسانی‌مان، عقل‌مان، استعدادمان و وجدان‌مان را پرورش داده و به‌کار بریم و نیازهای روحی و دیگر نیازهای انسانی را برآورده سازیم، آنها مبتنی است بر خواسته روزافزون بشر برای یک زندگی که در آن شأن ذاتی و ارزش انسانی از احترام و حمایت برخوردار باشد." (غمامی، ۱۳۷۸: ۱۲۴)

"حقوق بشر، حقوق بنیادین و انتقال‌ناپذیری است که برای حیات نوع بشر اساسی دانسته می‌شود؛ یعنی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم اسناد و سازوکارها است که موضوع‌شان حمایت از مقام منزلت و کرامت انسانی است." (ذاکریان، ۱۳۸۳: ۱۱)

۱-۲- امنیت ملی

مهمترین مفهومی که دولت‌ها بر آن اساس خود را محق می‌دانند حقوق و آزادی‌های افراد را محدود می‌سازند؛ مفهوم امنیت ملی است. در این زمینه حق آزادی بیان و آزادی مطبوعات در شرف بیشترین تحدید و خدشه از طریق توسل به مفهوم امنیت قرار گرفته و می‌گیرند. تا بدان جا که چند اصل از سند اجلاس ۲۰۰۱ ژوهانسبورگ به این موضوع اختصاص داده شده است. همچنین علاوه بر گستردگی توسل بدین مفهوم، تعریف آن نیز با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های بسیاری روبرو می‌باشد. (عبدی، ۱۳۸۶: ۱۲)

تعریف امنیت ملی به‌واسطه ابهام این مفهوم تعریفی الزام‌آور است. ویژگی دوگانه مفهوم امنیت، به معنی دارا بودن دو وجه ذهنی و عینی از جمله عوامل اصلی ابهام در موضوع تعریف است و از مصادیق تحدیدکننده آن به‌شمار می‌آید. بر اساس نظر «ولفرز»، امنیت در وجه عینی، فقدان تهدیدات نسبت به ارزش‌های جاری و ساری در جامعه به‌شمار می‌آید. در مفهومی ذهنی،

! A. Wolfers

فقدان ترس و بیم از این امر که چنین ارزش‌هایی در معرض تعرض و آسیب قرار گیرند. براین اساس صرف عینیت یا ذهنیت تهدید نسبت به ارزش‌های هر جامعه، مبنای تعریف مفهوم امنیت قرار خواهد گرفت. این امر حاکی از ویژگی دوگانه این مفهوم می‌باشد. در اینجا وضعیت فیزیکی با وضعیت ذهنی درهم آمیخته است. انتقال امنیت از وضعیت فیزیکی به وضعیت ذهنی، بلافاصله مشکلات بسیاری را برای دولت در مواجهه با عوامل محل امنیت و همچنین به رسمیت شناختن حد مجاز اعمال حقوق و آزادی‌ها ایجاد می‌کند.

«لیپمن» از جمله صاحب‌نظرانی است که برای اولین بار تعریفی از امنیت ملی ارائه داد. به اعتقاد وی «یک ملت زمانی دارای امنیت است که مجبور نباشد منافع مشروع خود را برای جلوگیری از جنگ قربانی نماید و در صورت لزوم نیز توانایی این را داشته باشد که منافع مشروع خود را از طریق جنگیدن حفظ کند». (برکوتیز، ۱۳۷۷: ۱۹۶)

امروزه چنین نگرشی به مقوله امنیت که به طور صرف بر مؤلفه‌هایی همچون دشمن خارجی و منافع مشروع ملی تأکید می‌ورزد، از منظر بسیاری از اندیشمندان ساده‌انگارانه به شمار می‌آید. مفهوم امنیت ملی همواره با اصطلاحاتی همچون منافع ملی، منافع حیاتی، ارزش‌های اساسی و ... به کار می‌رود (ره‌پیک، ۱۳۷۷: ۱۳۲). این امر نشانگر این واقعیت است که امروزه این مفهوم وجوه و بعدها بسیار گسترده‌تری نسبت به گذشته یافته است و دیگر با تعاریفی همچون تعریف پیش‌گفته، قابل‌ارایه نمی‌باشد. در طی این فرآیند امنیت از محدودیت تک‌سطحی و تک‌ساحتی خارج و در مفاهیم اصول و هنجارهایی با ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به گونه‌ای متفاوت متجلی شده است. به سخن دیگر، امنیت سطوح دیگر فردی، اجتماعی، انسانی و جهانگرا را علاوه بر دولت‌محوری و تمرکز بر جنبه نظامی شامل شده است. (ربیع، ۱۳۸۲: ۱۲۴-۱۲۶)

گفتمان جدید امنیت ملی با شدت بسطی تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن قرار گرفته و دوباره متولد شده است. در گفتمان جدید، امنیت دیگر در صرفاً فقدان تهدید تعریف نمی‌شود؛ بلکه بر مبنای ماهیتی ایجابی بر وجود اطمینان‌خاطر نزد شهروندان دلالت می‌کند. برخلاف گفتمان منفی امنیت که اهمیت مؤلفه اصلی آن، فقدان تهدید نسبت به منافع و مصالح مبهم تلقی می‌شود، در گفتمان مثبت، امنیت به رتبه فروتری تقلیل یافته است و در پرتو متغیرهای دیگری چون «قدرت»

تعریف می‌گردد. از این منظر، امنیت ملی به مجموع توانمندی‌های طبیعی، بهره‌برداری و راهبردی یک نظام برای دستیابی به منافع ملی اطلاق می‌گردد و عدم تهدید صرفاً مقدمه تحقق آن به شمار می‌آید. (افتخاری، ۱۳۷۹: ۳۳)

۱-۳- سمن (سازمان غیردولتی)

سازمان غیردولتی شامل جنبش‌ها، جمعیت‌ها، و گروه‌هایی است که دارای استقلال کامل از دولت است. این سازمان‌ها بدون قصد منفعت‌طلبی و کسب سود به وسیله مردم به وجود آمده‌اند. هدف این سازمانها برطرف نمودن مشکل جمعی و در راستای دفاع از منافع ویژه‌ای مانند مسائل شغلی، اجتماعی، فرهنگی، تجاری، سیاسی، علمی، انسان‌دوستانه، مذهبی و توسعه اجتماع ملی یا... تشکیل شده‌اند (الوانی، ۱۳۸۱).

سازمان‌های مردم‌نهاد دارای چهار شاخص اصلی می‌باشند: این شاخص‌ها شامل: غیردولتی، غیرسیاسی، غیرانتفاعی و تجاری بدن است. به جهت غیرانتفاعی بودن، مشمول معاف پرداخت از مالیات هستند.

داوطلبانه بودن این سازمان‌ها بدین معنی است که مشارکت، تأسیس و اداره آنها براساس اصل آزادی اراده افراد می‌باشد. این سازمان‌ها دارای استقلال می‌باشند و همچنان دارا بودن هویت و هدف مشترک از ویژگی‌های آنان است. فعالیت این سازمان‌ها قانونمند، شفاف در مداوم و دارای استمرار است. این سازمان‌ها نقش پل ارتباطی بین مردم و دولت را ایفا می‌نماید و منجر به دوام و قوام روابط سالم این دو عنصر اساسی جامعه می‌شود. (جابری، ص ۵۵)

سازمان مردم‌نهاد یا سازمان غیردولتی (N.G.O) معادل اصطلاح لاتین NON Governmental Organization است.

۱-۴- مکتب کپنهاگ، نظریه پرداز امنیت و سمن

مکتب کپنهاگ، اصطلاحی است که «بیل مک سوئیتی» برای آثار و دیدگاه‌های باری بوزان، اووله ویور، دوویلد و برخی دیگر از محققان (ووثوقی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۷) که در مؤسسه پژوهش صلح کپنهاگ در دانمارک (که اکنون دیگر وجود ندارد) مشغول به تحقیق بوده‌اند، گذاشته شده است. با افول هژمونی گفتمان سنتی امنیت یعنی واقع‌گرایی پس از جنگ سرد (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۷)، مهمترین مطالعات مربوط به امنیت در چهارچوب مکتب کپنهاگ آغاز به کار کرد؛ این مکتب، تنها رهیافتی است که صرفاً بر مطالعات امنیتی تمرکز داشته و جزء اولین

رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی تلاش کرده تا مطالعات امنیتی را از مطالعات استراتژیک تفکیک کرده و آن را در ذیل روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک را در ذیل مطالعات امنیتی قرار دهد.

در دیدگاه سنتی، امنیت عمدتاً بعدی وجودی- نظامی و حول محور کشور- دولت تمرکز داشت. شاید بتوان عصر وستفالیایی را عصر تحکیم حاکمیت آنارشیستیک کشور- دولت و سپس ملت- دولت دانست (سیف‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۰). به گونه‌ای از منظر بیشتر متخصصان حوزه امنیت، در طول دوران جنگ سرد، تهدیدهای نظامی مطرح برای امنیت ملی بر دیگر تهدیدها غلبه داشت (پرویزی، ۱۳۹۴). اما با فروپاشی نظام دو قطبی و ظهور تحولات جدید در ساختار نظام بین‌الملل به خصوص پدیده‌های غیرنظامی نظیر توسعه اقتصادی، تغییرات زیست محیطی، مهاجرت و رشد بی‌سابقه جمعیت، تروریسم، بیماری‌هایی نظیر ایدز، خشونت‌های قومی و نژادی، نقدهای جدی بر نگاه سنتی امنیت وارد شد.

بنابراین، مکتب کپنهاگ، یکی از رهیافت‌های اصلی در روابط بین‌الملل است که به مطالعات امنیتی دوره‌ی پسا جنگ سرد و تغییرات گسترده‌ای که در حوزه‌ی امنیت رخ داده تمرکز کرده است. از دیدگاه باری بوزان، به عنوان شاخص‌ترین نظریه‌پرداز این مکتب، در شرایط جدید بین‌المللی امنیت مفهوم وستفالی یا صرفاً نظامی خود را از دست داده و شاهد گسترش دامنه امنیت به ابعاد چندگانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می‌باشیم (جعفری ولدانی، ۱۳۹۴)؛ به عبارتی دیگر، از مهمترین مسائلی که این مکتب مطرح می‌کند طرح «موسع در برابر مضیق» است که به منظور توسعه ابعاد امنیت مطرح شده است. در واقع، مکتب کپنهاگ مخالف دیدگاهی است که هسته مطالعات امنیتی را جنگ و زور می‌داند (خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۵). مکتب کپنهاگ بر خلاف سنت‌گرایان، مدعی است که امنیت، نوع ویژه‌ای از سیاست است که می‌توان آن را به بخش‌های مختلف تقسیم کرد. از نظر آنها برای این که تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها در حوزه‌های مختلف امنیتی برجسته شود باید در سنجش با معیارهای مرتبط با امنیتی شدن یک موضوع، امنیتی بودن آنها به اثبات برسد تا امکان بازشناسی آنها از مسائل فقط سیاسی فراهم شود (ویلیامز، ۱۳۹۲). به طور کلی می‌توان گفت بوزان به واسطه طرح مباحث نوینی چون فراخ شدن دامنه مطالعات امنیتی، امنیت جامعه‌ای، معماگونگی امنیت، کنش گفتاری، مبحث امنیتی و غیرامنیتی کردن و مرجع فرادولتی امنیت، گام‌های بسیار مهمی در حوزه مطالعات امنیتی برداشته است.

از نظر بوزان، امنیت اجتماعی در جامعه بشری به پنج مقوله تقسیم می‌شود: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۴) که هر کدام در یک شبکه قوی از پیوند با یکدیگر قرار دارند (استون، ۲۰۰۹: ۴).

در عین حال امنیت غالباً به هویت های اجتماعی نظیر دین و ملیت نیز اشاره دارد که می‌توانند در استقلال کشور موثر باشند. در روابط میان کشورها، تهدیدات خارجی بر روی سطوح اجتماعی، اغلب از تهدیدات نظامی و سیاسی خطرناک ترند (زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۸). حتی برخورد ایدئولوژی‌ها در حوزه سیاسی نیز می‌توانند تهدیدات اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی را ایجاد نمایند. مانند برخورد متقابل حکومت های غربی و بنیاد گرایان اسلامی. (بوزان، ۱۹۹۸: ۱۰۴)

امنیت سیاسی؛ مشتمل بر تهدیدات سیاسی است که عموماً به عنوان زمینه ساز سایر تهدیدات یا مکمل آنها عمل می‌کند. (بوزان، ۱۳۸۷: ۱۴۷). به این معنا است که از بعد خارجی، کشور می‌تواند به وسیله ایدئولوژی های متفاوت سایر کشورها مورد تهدید واقع شود. همانطور که تفکراتی نظیر ناسیونالیسم، بنیاد گرایی، لیبرال دموکراسی، کمونیسم و غیره به عنوان اندیشه های خارجی، توانسته اند نظام سیاسی کشورها را در معرض خطر قرار دهند. (بوزان، ۱۹۹۸: ۸۳).

مفاهیمی مانند امنیت ملی، منافع ملی و به تبع آن منافع امنیت ملی و مشابه آنها، مفاهیمی بزرگ و پیچیده‌اند و درک این مفاهیم از راه تحلیل اوصاف و ابعاد آن، مفیدتر از تعاریف ساده آن می‌باشد. لذا برای ادراک این عنوان لازم است اصطلاح ترکیبی «منافع امنیت ملی» از خلال تعریف اصطلاحات «منافع ملی» و «امنیت ملی» تبیین گردد (دهپیک، ۱۳۸۷: ۷۲). از دیدگاه نظری در حوزه امنیت ملی فعالیت سمن‌ها عموماً از امنیت افراد فراتر می‌رود و در ارتباط با نماد امنیت ملی یعنی دولت قرار می‌گیرد بدین سان دولت از یک سو به عنوان سازوکار امنیت‌ساز مطرح است و از سوی دیگر خود نیز موضوع «امنیت» تلقی می‌شود. به نظر می‌رسد، با توجه به کارکردها و چهارچوب‌های فعالیت این سازمان‌ها بین دولت، منافع امنیت ملی و سمن‌ها، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. در این رابطه چهارچوب نظری باری بوزان به عنوان مبنای نظری مناسب به نظر می‌رسد. به این ترتیب، منظور از اصطلاح ترکیبی «منافع امنیت ملی» آن بخش از منافع ملی است که در امنیت ملی متبلور می‌شود و در اینجا شامل سه بعد «ایده دولت»، «پایگاه» مادی دولت و نهادهای دولت به معنی سیستم سیاسی می‌باشد (افتخاری، ۱۳۸۱: ۴۵) منافع امنیت ملی را می‌توان در دو سطح داخلی و خارجی نیز مطالعه کرد.

۲- سمن ها، حمایت و ارتقا حقوق بشر

شکوفایی فعالیت سمن‌ها در توسعه و ارتقای حقوق بشر متضمن سطح مناسبی از اعتماد و حمایت دولت است. سمن‌های مدافع حقوق بشر در صورتی می‌توانند واجد اعتبار در سطح بین‌المللی بشوند که نقش آفرینی مسئولانه و انتقادی آنها در قانون و در عمل محترم شمرده شده و آنها بتوانند بدون لکنت زبان و بدون نگرانی از تبعات فعالیت‌های حمایتی - انتقادی خود، ایفای نقش نمایند.

تقویت سمن‌ها از حیث فعالیت‌های داخلی آنها بالطبع باعث ارتقای جایگاه و اعتبار آنها در سطح بین‌المللی شده و امکان اثرگذاری آنها بر مخاطبان بین‌المللی را افزایش می‌دهد. (بقیایی، ا، ۱۴۰۲: ۱۲ اردیبهشت، مصاحبه شخصی)

همچنین دریافت حس اعتماد متصاعد از سوی دولت نسبت به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل خود، آزادی متناسب و دور از سلیقه‌های دولت‌های گذران، برای نمایندگی واقعی و بدون محدودیت‌بخشی از جامعه و امکان پاسخگو ساختن دولت و نهادهای دولتی در خصوص مطالبات مردمی و در نتیجه پرهیز از ورود عناصر فرصت‌طلب به این میان از دیگر مواردی است که می‌توان در این زمینه برشمرد. (گلشن‌پژوه، محمودرضا، ۱۴۰۲: ۲۵ فروردین، مصاحبه شخصی)

سازمان‌های غیردولتی نقشی بسیار مهم در بهبود وضعیت حقوق بشر در سراسر جهان ایفا می‌کنند. سمن‌ها این کار را توسط ابزارهای زیر انجام می‌دهند:

بررسی و ارائه گزارش در مورد نقض حقوق بشر توسط دولت‌ها و سایر بازیگران سازمان‌های غیردولتی (به‌طور مثال مانند دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل) از کارشناسانی استفاده می‌کنند که تحقیقات دقیق و مبتنی بر واقعیت در مورد نقض حقوق بشر انجام داده و آن‌ها را در معرض دید عموم و رسانه‌ها قرار می‌دهند. (سوکن هابرتی، ا، ۲۰۲۲)

حمایت و لابی برای حمایت از حقوق بشر و ارتقای آن: سازمان‌های غیردولتی (به‌طور مثال مانند مدافعان حقوق مدنی و حقوق بشر بدون مرز)، از مدافعان حقوق بشر که در معرض خطر هستند، حمایت و پشتیبانی می‌کنند، در عین حالی که مسئولیت عمده را متوجه آنانی می‌کند که قدرت دستشان است. سمن‌ها همچنین از ابزارهای حمایتی مانند دادخواست، نامه، اعتراض و دادخواهی برای فراخوان اقدام استفاده می‌کنند. (تامانگ، آ، ۲۰۲۲)

آموزش و آگاهی‌افزایی در مورد مبانی و مسائل حقوق بشر: سازمان‌های غیردولتی (مانند

سازمان بین‌المللی ضدبرده‌داری) به‌منظور گسترش احترام جهانی به حقوق بشر و جهان‌شمولی حقوق بشر از طریق آگاهی‌بخشی تلاش می‌کنند.

آن‌ها همچنین نشست‌های آموزشی، انتشار نشریات و راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای اجتماعی را برای اطلاع‌رسانی و بسیج مردم در مورد حقوق بشر سازماندهی می‌کنند. (هابرتی، س، ۲۰۲۲)

ارائه پشتیبانی و حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر: سازمان‌های غیردولتی (مانند پزشکان بدون مرز و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ)، کمک‌های بشردوستانه، مراقبت‌های پزشکی، کمک‌های حقوقی، مشاوره و سایر خدمات را به کسانی که از نقض حقوق بشر یا تنش‌های ناشی از آن رنج می‌برند، ارائه می‌کنند. (مادیدری، ا، ۲۰۲۱)

سمن‌ها به‌دلیل فعالیت در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و... می‌توانند منابع اطلاعاتی خوبی برای سازمان‌های بین‌المللی باشند. به عنوان مثال مجمع عمومی با صدور یک قطعنامه خاص از یک سمن می‌خواهد که با آن در زمینه ی مد نظر همکاری نماید. می‌توان در این زمینه از قطعنامه ۳۵/۵۹۲ مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۸۰ معروف به اعلامیه دهه بین‌المللی آب آشامیدنی ۱۹۹۰ - ۱۹۸۰ نام برد که بند ۴ آن از سایر سازمان‌های بین‌الدولی و غیردولتی مربوطه می‌خواهد که در حفظ و در صورت امکان افزایش کمک‌های فنی و مالی با کشورهای در حال توسعه بکوشند.» (بیگزاده، ۱۳۷۳، ص ۳۱۵)

علاوه‌بر آن در بند ۱ ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مشخصاً تشکیل مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌جو مورد شناسایی قرار گرفته است. «هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد.»

تشکیل مجامع و انجمن‌ها خود مستلزم شناسایی حق مشارکت آنان در عرصه‌های اجتماعی است. به‌علاوه ماده ۲۸ اعلامیه نیز به‌طور ضمنی این مشارکت را تجویز می‌کند، هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است، تأمین کند و آنها را به مورد عمل گذارد. چنین مشاهده می‌شود که اعلامیه حقوق بشر، مشارکت سمن‌ها را در عرصه حقوق بشر به نحو بارزی مورد توجه قرار می‌دهد و می‌تواند به‌عنوان منبع این مشارکت شناخته شود خصوصاً آنکه تعهدات مندرج در این اعلامیه امروزه بیش از پیش خصلت هنجاری و آمره به خود گرفته و به مثابه عرف بین‌المللی تلقی می‌شود. (شریف‌شاهی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳-۱۱۴)

هر چند نقش سازمان‌های غیردولتی در سه دهه اخیر در تمامی حوزه‌های موضوعی بین‌المللی روند روبه‌رشدی داشته، اما در حوزه حقوق بشر این امر از اواسط دهه ۹۰ و پس از تصویب قطعنامه شماره ۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی شکل منسجم‌تری به خود گرفته است. طی این سال‌ها ارائه گزارش‌ها و بیانیه‌های شفاهی و کتبی در جریان اجلاس‌های کمیسیون حقوق بشر و تلاش برای افزایش توجه بین‌المللی به وضعیت حقوق بشر در یک کشور، توسط انتشار گزارش‌های موردی یا سالنامه‌های حقوق بشری از جمله اقدامات مؤثر سازمان‌های غیردولتی در امر نظارت بر حوزه حقوق بشر بین‌المللی بود که با تصویب قطعنامه ۹۶/۳۱ و رتبه‌بندی سازمان‌های غیردولتی براساس مقام مشورتی آنان، نمود عینی‌تر و تأثیر عمیق‌تری پیدا کرد. با این حال پس از تشکیل شورای حقوق بشر و تنظیم و تدوین فرآیند بررسی دوره‌ای جهانی، شیوه و حوزه تأثیرگذاری سازمان‌های غیردولتی در موضوعات حقوق بشری به یکباره با جهش عمده‌ای روبرو شد. این امر از آنجا نشأت می‌گرفت که اغلب تا پیش از آن، سازمان‌های غیردولتی دارای مقام مشورتی عام یا خاص بودند که توانمندی تأثیرگذاری در روندهای حقوق بشری را داشتند، اما در دوران جدید تمامی سازمان‌های غیردولتی و نهادهای جامعه مدنی که در حوزه‌ای دارای نظر یا علاقه هستند (بدون توجه به اینکه در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل مقام مشورتی داشته باشند یا خیر) می‌توانند دیدگاه‌های خود را درخصوص موارد ادعایی نقض حقوق بشر در یک کشور، برای دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر ارسال نموده و انتظار درج این نظر را در گزارش نهایی ده صفحه‌ای دفتر کمیساریا داشته باشند.

۳- تأثیر فعالیت های سمن ها بر امنیت

۳-۱- سمن ها و گسترش امنیت

برخی از سمن ها مبتنی بر رسالت و مأموریت های خود بر ایجاد و گسترش امنیت انسانی تثیر مستقیمی دارند، به بیان دیگر وصول به اهداف این سمن ها باعث برقراری و گسترش امنیت انسانی می شود برای مثال رسالت و اهداف سمن های امدادی و حمایتی در جهت کاهش تلفات و خسارات در ایجاد آرامش و امنیت روانی بسیار حایز اهمیت است. چنین اهدافی اثر مستقیم بر

گسترش ایمنی و امنیت در برار سوانح طبیعی دارد که بخشی از جنبه های امنیت انسانی محسوب می شود.

از نگاهی دیگر فعالیتهای روشنگرانه برخی سمن ها در برابر اتهامات سیاسی و غیر واقعی دیگران علیه جمهوری اسلامی ایران که با روشها و استانداردهای معتبر در مجامع بین المللی منطبق می باشد به رفع برخی تهدیدات از کشور کمک کرده است .

سه محور عمده برای کنشگری سمن‌ها در تأمین امنیت ملی ایران می‌توان برشمرد:

الف) هنجارسازی و گفتمان‌سازی، چه از حیث ایجابی و ترویج گفتمان‌هایی که به نفع منافع ایران است مانند جنایت علیه بشریت بودن تحریم‌ها و چه امکانات سلبی مانند ممانعت از شکل‌گیری تعریف مفهوم جنسیت به‌نحوی که شامل دگرباشان و جنس سوم نشود.

ب) مطالبه و حقیقت‌یابی‌های بین‌المللی، کنشگری‌های حقوقی برای تحت تعقیب قرار دادن ناقضان حقوق ملت ایران مانند شکایت علیه شرکت مولنیکه یا ارایه اطلاعات علیه جنایتکاران جنگی در دیوان.

ج) روشنگری و تبیین نسبت به اتهامات حقوق بشری علیه ایران. (ذاکر حسین، م، ۲۰ خرداد ۱۴۰۲؛ مصاحبه شخصی)

به‌طور کلی فعالیت داخلی سمن‌های داخلی حقوق بشری هرچقدر که به سمت حمایت از مفاهیم و ارزش‌های حقوق بشری اروپایی و غربی که تعارض بنیادین با ارزش‌های اسلامی و مبانی قانونی کشور دارد، سوق یابد، به‌عنوان یک عامل منفی بر امنیت ملی تأثیر می‌گذارد. طیفی از مفاهیم را می‌توان مدنظر قرار داد. مانند حقوق همجنس‌گرایان، به رسمیت شناختن همجنس‌بازی، حمایت از آزادی‌های جنسی، قصاص، مخالفت مبنایی و نه مصداقی با قوانین و احکام شرعی متقن و قطعی و به جهت روشی می‌توان طیفی از مفاهیم آشکار و نهان در ساختارها و اصول حقوق بشر اروپایی را فهرست کرد و نسبت و میزات تعارض آنها با نگرش مفاهیم حقوق بشری مورد تأیید قانون و ارزش‌های اسلامی را مورد سنجش قرار داد. (نکویی، ا، ۱۰ خرداد ۱۴۰۲؛ مصاحبه شخصی)

به‌طور کلی فعالیت‌های داخلی و بین‌المللی سمن‌های حقوق بشری در محورها و موضوعات زیر بر امنیت ملی ج.ا.ایران چه از جنبه سلبی و چه از جنبه ایجابی تأثیر می‌گذارد:

- نمایش ظرفیت بالا یا پایین چهره دمکراتیک و مردم‌سالار از نظام جمهوری اسلامی ایران

در تناسب با میزان فضای ایجادشده برای فعالیت سمن‌های ایرانی در داخل یا خارج از کشور؛
- افزایش باورپذیری موفقیت‌های نظام در حوزه‌های مختلف حقوق‌بشری به دلیل بیان آن از زبان جامعه مدنی؛

- امکان بیان و نمایش صریح‌تر ایرادات یا تضییقات نظام در حوزه‌های مختلف حقوق‌بشری برای مخاطب خارجی؛

- امکان دسترسی سریع‌تر و کاربردی‌تر به مناطق و مردم در مقاطع مهم (بلایای طبیعی، مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی، فعالیت‌های فرهنگی و ...)

- خنثی‌سازی فعالیت سمن‌های معاند در صورت دسترسی داشتن اطلاعات و دیتای قابل استناد و تجربه‌شده از سوی خودشان. (گلشن‌پژوه، محمودرضا، ۲۵ فروردین ۱۴۰۲؛ مصاحبه شخصی).

۳-۲- سمن‌ها و تهدیدات پیش رو

تغییر مؤلفه‌های بین‌المللی نظام موضوعی و محتوایی حاکم بر سازمان‌های بین‌المللی و حقوق‌بشری می‌تواند بر نوع پردازش و تفسیر شرایط اجتماعی از سوی سمن‌ها تأثیر بگذارد. علاوه بر این، هژمونی رسانه‌هایی مانند بی‌بی‌سی و ایران اینترنشنال و غیره در تولید ادبیات و شکل‌دهی افکار عمومی مؤثر است که خود هم به صورت مستقیم می‌تواند نگرش و فعالیت سمن‌ها را شکل‌دهی کند و هم به صورت غیرمستقیم کنشگری سمن‌های ایرانی را در عرصه بین‌المللی با تهدید مواجه کند. چالش‌های بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی حول موضوعاتی چون سوریه، اوکراین، حماس، و غیره می‌تواند به شکل‌گیری جبهه‌های متحد در برابر سمن‌های ایرانی در سازمان‌های بین‌المللی بیانجامد.

از آنجایی که تغییر در عرصه بین‌الملل بیشتر از عرصه داخلی تحت تأثیر عوامل خارج از کنترل نظام سیاسی است، توجه به تهدیدات داخلی در برابر فعالیت‌های سمن‌ها می‌تواند از اولویت بالاتری برخوردار باشد.

در شرایطی که ساختار اجتماعی از شکاف‌های فعال کنونی رنج می‌برد، نظام سیاسی کشور به سمت سیاست کنترل مدنی به جای مشارکت مدنی معطوف گردیده است. در این شرایط به‌طور طبیعی نگرش تهدیدمحور به سمن‌ها و فعالیت مدنی تشدید شده است تا راه‌حلی کوتاه‌مدت برای عبور از بحران‌های کارآمدی، مشروعیت، و شکاف‌های جنسیتی و بین‌نسلی باشد. در این شرایط به جای توسل به راهکارهای اجماعی و مکانیسم‌های مطابق با اصول

دموکراسی / مردم‌سالاری / کرامت انسانی اسلامی بر ضرورت کنترل شهروندان چالش‌برانگیز تمرکز می‌شود. در این شرایط مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان بازیگران اجتماعی غیردولتی ظرفیت تازه‌ای برای تهدیدهای تازه می‌تواند باشد که برای تاب‌آوری نظام سیاسی در برابر بحران کنونی مخرب‌تر می‌شود. اما این نگرش در نظر نمی‌گیرد که فلسفه وجودی سمن‌ها و نهادهای مدنی تنظیم رابطه بهتر بین نظام سیاسی و توده‌های جامعه است. رشد و توسعه سمن‌ها می‌تواند در بلندمدت امکان کنترل نرم توده‌های اجتماعی را افزایش و احتمال کنش‌های سیاسی ساختارشکن را کمتر کند.

اما دومین عامل تهدید داخلی در برابر فعالیت سمن‌ها، ابزارهای کنترلی برای اعمال قدرت سیاسی یعنی همان نظام قضایی و قانونی است. عدم شفافیت قوانین مرتبط با فعالیت مدنی و نظام دادرسی کیفری به راحتی می‌تواند یک کنشگر یا سازمان مردمی را به هزار توی جرایم کیفری بکشاند و از آن یک تهدید بالقوه یا بالفعل بسازد. علاوه بر این، احتمال بروز چنین خطراتی کنشگران مدنی را به سمت منفعل شدن یا محدودیت شدید در کنشگری هدایت می‌کند.

سومین سطح عوامل منفی در برابر فعالیت نهادهای حقوق بشری ضعف نهادی و دانشی سازمان‌های مردم‌نهاد حقوق بشری است. سازمان‌های مردم‌نهاد هم از نظر موضوعی و هم مهارت‌های عملی از ضعف دانشی شدید رنج می‌برند. کمتر سمن‌هایی هستند که مکانیسم‌های عملی کنشگری مدنی را به شکل مدرن آن بدانند. این ضعف دانشی موجب تبعیت آنها از شیوه‌ها و اندیشه‌های سمن‌های بزرگ بین‌المللی حقوق بشری می‌شود و آنها را از درک بهتر زیست‌بوم کشورشان محروم می‌کند. بخشی از این ضعف ریشه در نظام آموزشی کشور نیز دارد. در هیچ کجای نظام آموزشی کشور در مورد فعالیت‌های مردم‌نهاد در حوزه شهر و محله و کشور آموزش داده نمی‌شود. صرف نظر تعداد محدودی سمن‌های موفق در کشور، تنها نهادهایی که هم‌اکنون فعالیت مردمی گسترده‌ای دارند، بسیج و گروه‌های جهادی هستند که این مجموعه‌ها نیز موفقیت خود را مرهون ارزش‌های درونی اجتماعی و حمایت‌های دولتی جدی هستند. از این‌رو نظام آموزشی کشور نقش چندانی در توسعه این دو نهاد نیز نداشته است. (نصراللهی، ر. ۱۴۰۲: ۱۲ خرداد، مصاحبه شخصی)

همچنین حس تبدیل شدن به نماینده پنهان دولت‌ها (به دلیل تعارض آن با روح اولیه تشکیل‌دهنده یک سازمان غیردولتی) و نگاه ابزاری و غیرحرفه‌ای مسئولان به سازمان‌های غیردولتی و عدم درک

ظرافت‌های رفتاری بایسته ایشان در فضای داخلی و بین‌المللی از دیگر مواردی است که می‌توان در این زمینه برشمرد. (گلشن‌پژوه، محمودرضا، ۱۴۰۲، ۲۵ فروردین، مصاحبه شخصی)

به‌طورکلی حقوق‌بشر علی‌رغم اصالت ذاتی آن، در عمل به نحو فزاینده‌ای، ماهیتی «مداخله‌گرا» و «ابزاری» پیدا کرده است و دولت‌های غربی با وقوف نسبت به کارآمدی منحصربه‌فرد حقوق‌بشر برای اعمال فشار سیاسی بر رقبای کارزارهای حقوق‌بشری خود را ترجیحاً از طریق سازماندهی و بسیج «سمن»ها حقوق‌بشری به‌پیش می‌برند. از این حیث، سمن‌های بین‌المللی حقوق‌بشر به‌عنوان ابزارهای تأثیرگذار دولت‌های غربی علیه کشورهای هدف نقش‌آفرینی می‌کنند.

باین‌وصف، خشتی‌سازی اقدامات چنین سمن‌هایی لاجرم باید با ابزارهای «هم‌جنس» یعنی «سمن‌های متناظر» تمهید گردد. به‌همین دلیل نقش بین‌المللی سمن‌های حقوق‌بشر در «تیین» دستاوردهای حقوق‌بشری کشور و همزمان حملات متقابل به طرف‌های معارض از طریق نمایاندن نقض‌ها و تناقض‌های حقوق‌بشری آنها بسیار مهم است. نقش داخلی سمن‌ها نیز بسیار اهمیت دارد و آنها می‌توانند به‌عنوان ناظران و حامیان حقوق‌بشر عمل نموده و نقش امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را در معنای حقیقی آن در حوزه حقوق‌بشر انجام دهند. چنین نقش‌آفرینی مسئولانه‌ای علاوه‌براینکه نوعی تمرین و تضمین ارتقای حقوق‌بشر شهروندان در سطح داخلی خواهد بود، فی‌نفسه موجب خشتی‌سازی شیطنت‌های سمن‌های بین‌المللی معاند خواهد گردید. (بقایی، ا، ۱۴۰۲: ۱۲ اردیبهشت، مصاحبه شخصی)

۴- سمن‌ها و امنیت ملی ج.ا.ایران

در نظام دینی منافع امنیت ملی مترادف با حفظ هیئت حاکمه تلقی نمی‌شود و «امنیت مردم» و «امنیت حاکمیت» در دولت اسلامی دو روی یک سکه‌اند. تأکید بر افزایش اعتماد متقابل میان مردم و دولت از یک سو و تقویت احساس مسئولیت عمومی نوعی مشارکت عمومی و «مسئولیت همگانی» است. سمن‌ها به‌عنوان چهارچوب مشارکت سازمان‌یافته، می‌توانند بر سه رکن اصلی پیش‌گفته منافع امنیت ملی تأثیر سلبی یا ایجابی بگذارند. از منظر سلبی می‌توانند فرصت‌های موجود را به چالش تهدیدزا مبدل سازند و یا برعکس در تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها دولت را یاری کنند (مصلحتی کوچصفهانی، ۱۳۷۶: ۳۶۴).

یکی از چالش‌های فراروی دولت،‌ها تهدیدهایی است که در اثر فعالیت برخی از سمن‌ها نسبت به نهادهای دولت رخ می‌دهد. مسئله شناخته‌شده تغییرات در نظام‌های سیاسی بر بستری آرام و بدون خشونت از جمله موارد تأثیر سلبی سمن‌ها بر نهاد دولت است.

در دوره‌ای طرح موسوم به تغییر از درون برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران از سوی ایالات متحده آمریکا مطرح شد. در این طرح حمایت از برخی سمن‌های ایرانی همسو به‌عنوان بخشی از راهکارها مدنظر قرار گرفت (مایکل، لدین، ۲۸ آوریل ۲۰۰۴). از منظر طراحان این پروژه، تأثیر بر ارزش‌های اساسی دولت و جامعه و نیز اثرگذاری در مقبولیت «نهادهای دولت» (مجله جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳) با بهره‌برداری از سمن‌ها، هزینه مقابله با دولت جمهوری اسلامی ایران را کاهش می‌داد و نظام ایران را قابل کنترل و مجبور به عقب‌نشینی می‌کرد.

از این رو عمده‌ترین راه‌های تأثیرات سلبی و یا ایجابی سمن‌ها بر نهادهای دولت را می‌توان در مواردی مثل تأیید و یا تخریب مشروعیت نظام سیاسی کاهش و یا افزایش اقتدار ملی، تأثیر بر مدیریت خواسته‌های شهروندی تأثیر در ابزار کنترل قدرت دولت، مشورت و رایزنی، نظارت و تأثیر بر وفاداری سیاسی مردم به نظام و نظایر آن مشاهده نمود. بدیهی است شناخت عوامل فرصت‌آفرین و یا تهدیدزا در این حوزه می‌تواند در سیاست‌گذاری برای بهره‌برداری بهینه و همسو با منافع امنیت ملی کارساز باشد.

تأثیر سازمان‌های مردم‌نهاد در دو حوزه مردم و سرزمین بر پایگاه مادی دولت قابل بررسی است. از عمده‌ترین تأثیرات سمن‌ها بر این بعد از منافع و امنیت ملی را می‌توان در مواردی همچون تأثیر بر انسجام ملی و اجتماعی، هویت ملی، قوم‌گرایی، روابط خارجی و دیپلماسی، قدرت نرم، سرمایه اجتماعی تصمیم‌سازی راهبردی دولت‌ها، برنامه توسعه و پیشرفت، اجرا و تحقق عدالت اجتماعی جنگ‌های هوشمند و اطلاعاتی و حتی کارکردهای سیاسی و شبه‌حزبی پاره‌ای از سمن‌ها ملاحظه نمود. (خادمی، ۱۳۹۲)

سمن‌ها می‌توانند حامی یکپارچگی و همبستگی ملی شوند و یا از تجزیه‌طلبی، قومیت‌گرایی و نظایر آن طرفداری کنند و تمامیت ارضی را به خطر بیندازند. آنها می‌توانند فرصت مناسبی را برای مداخله خارجی فراهم آورند و منافع امنیت ملی را در سطوح و ابعاد گوناگون با تهدید مواجه سازند و یا برعکس اهداف منافع ملی را در چهارچوبی مردمی و غیردولتی به ثمر بنشانند. از این رو در جمهوری اسلامی ایران ترکیب اقوام، زبان‌ها، لهجه‌ها، ادیان و مذاهب گوناگون که از

مشخصه‌های پایگاه مادی دولت است در کنار ایجاد فرصت، ممکن است برای اغراض ضدملی دستاویزهایی را فراهم سازد؛ زیرا بحران‌های واگرایی قومی و تقابل‌های فرهنگی ازجمله تهدیدهای پایگاه مادی دولت در نظر گرفته می‌شوند (احمدی و فاضلی، ۱۳۸۶: ۳۴)

به‌طورکلی سمن‌ها هم می‌توانند منجر به همبستگی ملی شوند و هم می‌توانند منجر به یکپارچگی شوند، البته در صورتی که دستگاه حاکمه رواداری با سمن‌ها را افزایش دهد. (ظریف، م، تیر ۱۴۰۲: مصاحبه شخصی)

در هزاره سوم، نهادهای غیررسمی همچون اشخاص، گروه‌های اجتماعی، سازمان‌های مردم‌نهاد و نظایر اینها به جهت مشارکت متعارف افراد جامعه در تصمیم‌ها می‌توانند یکی از راه‌کارهای ایجاد امنیت انسانی باشند (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۱). عضویت و پیوستن افراد به‌ویژه جوانان به سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند زمینه مشارکت را در جهت گسترش امنیت انسانی فراهم آورد. علاوه بر مشارکت افراد در گسترش امنیت انسانی، عضویت در این‌گونه سازمان‌ها خودبه‌خود می‌تواند مانع از تهدید امنیت انسانی شود. نکته قابل توجه و مهم در اثرگذاری سازمان‌های مردم‌نهاد بر گسترش امنیت انسانی پرهیز از تبدیل شدن سمن‌ها به گروه‌های فشار می‌باشد. همان‌گونه که می‌دانید در جهت گسترش امنیت دو رویکرد وجود دارد. رویکرد انفعالی (سلبی) که با ایجاد فشار و مبارزه با عاملان اخلال در امنیت سعی در ایجاد امنیت دارد و رویکرد ایجابی (مثبت) که با ایجاد بسترهای مناسب به گسترش امنیت می‌پردازد (قالیاف: ۱۳۸۲) سازمان‌های مردم‌نهاد با توجه به هویت اجتماعی و مبتنی بر مشارکت خود از رویکرد دوم در جهت گسترش امنیت انسانی بهره می‌برند. به‌طورکلی سازمان‌های مردم‌نهاد در گسترش امنیت انسانی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند دو نقش اصلی را ایفا نماید نقش زمینه‌ساز (غیرمستقیم) و نقش عامل گسترش (مستقیم).

ورود سمن‌ها به حوزه‌های عمومی و حقوق شهروندی و حمایت از قوانین حقوق عمومی شهروندی برای امنیت ملی یک عامل ایجابی تلقی می‌شود. بخشی از امنیت تلقی شدن اقدامات سمن‌های حقوق‌بشری به نگرش امنیت‌سازی حاکمیت برمی‌گردد که طبیعتاً باید دایره مفهومی و مصداقی آن مشخص شود و هر نوع کنش سمن‌ها به‌عنوان کنش ضد امنیتی تلقی نشود. درواقع باید در نظر داشت که فعالیت سمن‌های حقوق‌بشری در ایران به‌شدت در معرض امنیتی‌سازی و امنیتی شدن است. (نکویی، ا، ۱۰ خرداد ۱۴۰۲: مصاحبه شخصی)

در صورتی که بپذیریم مسئله حقوق‌بشر یک مسئله امنیتی است و می‌تواند ابعاد امنیتی داشته

باشد. دامنه مسایل امنیتی از حوزه داخلی تا درجات مختلف بین‌المللی نظیر ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل متحد را می‌تواند شامل شود. در صورتی که بپذیریم که حقوق بشر می‌تواند برای ما یک مسئله امنیتی ایجاد کند، هر عاملی که دخیل در قضیه باشد می‌تواند تأثیرگذار باشند. در این بین سازمان‌های مردم‌نهاد دارای نقش بسیار مهمی هستند. چه سازمان‌هایی که علیه ایران فعالیت می‌کنند و می‌توانند یک فضا سازی گسترده چه در داخل و چه در خارج از کشور انجام دهند. و از طرف دیگر سمن‌هایی که برای ارتقای واقعی حقوق بشر فعالیت می‌کنند و اهداف سیاسی را دنبال نمی‌کنند می‌توانند نقش پررنگی در حفظ امنیت داشته باشند. (عراقچی، ع، خرداد ۱۴۰۲: مصاحبه شخصی)

نتیجه گیری

در سال‌های اخیر و تحت تأثیر تشدید تحریم‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و ملت ایران، دستگاه سیاسی کشور به سمت اتخاذ رویکردی در حوزه سیاست خارجی هدایت شده است که دو محور اصلی دارد: سیاست خارجی مبتنی بر تقابل با غرب و گره زدن امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به امنیت دیگر کشورهای منطقه. این وضعیت موجب شده تا تعداد زیادی از بازیگران بین‌المللی (کشورها، سازمان‌های بین‌المللی، و سمن‌ها) به سمت فعالیت‌های سیاسی خصمانه در موضوعات حقوق بشری علیه ج.ا.ایران هدایت شوند و این بر نوع فعالیت سمن‌ها در عرصه بین‌المللی بیش از همیشه تأثیرگذار بوده است.

در خصوص سازمان‌های غیردولتی (سمن) به ویژه سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری بین‌المللی به علت ماهیت روابط آنان با شبکه ای گسترده از بازیگران بین‌المللی اعم از دولت‌ها، سازمان‌ها، اشخاص و ... می‌تواند به عنوان ابزاری سیاسی علیه منافع کشور مبداء آن سمن مورد استفاده قرار گیرد و به عنوان تهدید سیاسی علیه منافع کشور میزبان تلقی شود. ضمن اینکه تهدید خارجی به راحتی می‌تواند تبدیل به تهدید داخلی شود.

آنچه که نگارنده در طول این پژوهش و تجربیات کار در این حوزه به دست آورده است را به‌طور اختصار این‌گونه می‌توان بیان کرد: در یک نگاه کلی به اسناد و متون بالادستی و همچنین اظهارات و رویه‌های موجود در جمهوری اسلامی ایران؛ افزایش مشارکت عمومی مطلوب و به ایجاد شرایط برای مشارکت بیشتر توصیه می‌گردد. دعوت به فعالیت‌های غیردولتی اعم از خیریه، کمک و اعانه، شرکت در مراسم‌های عمومی و آیینی و... از رشد بالایی برخوردار است.

لکن در مراحل از ادوار گذشته مرز بین فعالیت‌های اجتماعی و عمومی با فعالیت‌های سیاسی (بیشتر در قالب جامعه مدنی و گروه‌های اجتماعی) کدر بوده است. عدم تفکیک و شفافیت بین فعالیت‌های حزبی و فعالیت‌های مدنی موجب محدودیت‌ها و تعاریف مغشوش در این حوزه گردیده است.

تجربه شخصی نویسنده نیز مؤید این مدعا است که عدم شفافیت از یک سو موجب سوءاستفاده برخی افراد از جریان‌های مدنی در جهت اهداف و مطامع سیاسی (در برخی موارد امنیتی) شده است. همچنین آنچه از گفت‌وگو با صاحب‌نظران مطرح این عرصه به دست آمده است، تقویت‌کننده نظر نگارنده بر این مبنا بوده است که فعالیت‌های سیاسی در طیف‌های مختلف از منتقد تا معاند به دلیل برخی محدودیت‌ها و عدم شفافیت‌ها در قالب نهادهای مدنی و سمن‌ها بروز و ظهور پیدا کرده است و از سوی دیگر اقدامات و مواضع این افراد و گروه‌ها حساسیت در مدیران کشور خصوصاً در حوزه‌های امنیتی را برانگیخته و همین مسئله باعث تشدید برخی محدودیت‌ها و یا نگاه‌های بدبینانه به بازیگران مدنی و غیردولتی و تسری برداشت منفی از آنان در حاکمیت شده است. پرواضح است که افراط و تفریط در مجموعه بازیگران هر دو طرف از متغیرهای اصلی این مشکل است. تعریف و تبیین شفاف و تفکیک دقیق گروه‌های مدنی و حوزه فعالیت آنان و تدوین قوانین و مقررات روشن و قابل اجرا در التزام این فعالان به چهارچوب‌های قانونی بسیار لازم و ضروری است.

از نقطه نظر نگارنده درک منافع و فرصت‌های حضور و فعالیت بازیگران غیردولتی و نهادهای مدنی در شناسایی و کمک به حل مشکلات و مسایل مختلف داخلی و خارجی نیز از الزامات تدوین قوانین و مقررات پیش‌گفته و از ضروریات ارتقاء وضعیت سمن‌ها در کشور است. منظور ما از این بحث ایجاد یک درک متقابل در هر دو طیف مدیران و مسئولان (خصوصاً امنیتی و انتظامی) و جامعه فعالان مدنی و بازیگران غیردولتی است.

فعالان باید التزام به قانون و مقررات را اصل بدانند. آیا منطقی است که سمنی در هر کشور از جمله ج.ا.ایران قصد فعالیت داشته باشد و هم‌زمان به قوانین و مقررات حاکم در آن کشور متعهد نباشد؟ از طرفی مسئولان نیز باید ترتیبی اتخاذ نمایند تا فعالیت در چهارچوب قوانین و مقررات را تضمین نمایند.

و در پایان ذکر این نکته را ضروری می‌دانم که یکی از نکات مهم و درس‌آموز برای ما و

خصوصاً مدیران، سیاست‌گزاران و نهادهای امنیتی در ج.ا.ایران توجه به دستاوردهای بلندمدت و برنامه‌ریزی برای اهداف راهبردی است. نباید به دلیل برخی ملاحظات کوتاه‌مدت و نگرانی‌های کم‌خطر به بهانه امنیت، از دستاوردهای راهبردی و بلندمدت ولو با چالش و زحمت بیشتر چشم‌پوشی کرد.

منابع

- احمدی، حمید و فاضلی، حبیب‌الله (۱۳۸۶). ناسیونالیسم مسئله هویت و دولت ملی در تئوری اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۳۷ (۴)،
- اسلامی، سعید؛ سلمان تبارسوته، محمد (۱۴۰۰). بازتاب انقلاب اسلامی ایران در آمریکای لاتین (مطالعه موردی: جمهوری بولیواری ونزوئلا). راهبرد سیاسی، ۵ (۱۹)، ۱۰۹-۱۲۸.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). امنیت در حال گذر تحول مفهوم امنیت در قرن بیست و یکم، مطالعات راهبردی، ۳ (۴)،
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اکرمی نیا، محمد (۱۴۰۱). ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس، ۸ (۱)، ۹-۳۴.
- بوزان، باری (۱۳۸۹). مردم، دولت‌ها و هراس. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۳). تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی، تحقیقات حقوقی، شماره ویژه، شماره ۳۰۱۵.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۹). سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌الملل، تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱-۳۲، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تاموشات، کریستیان (۱۳۹۱). حقوق بشر، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم.
- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (۱۳۸۳). سازمان‌های غیردولتی ما و نظام سرمایه‌داری، حوراء، شماره ۶.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۴). چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسن خانی، سعید (۱۴۰۰). ایران و محیط امنیتی تغییر یافته (الزامات و راهبردها). راهبرد سیاسی، ۵ (۱۹)، ۶۲-۲۳.

- خادمی، ماهرخ (۱۳۹۲). سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و نقش آنان در تحقق صلح و امنیت جامعه بین الملل، فرصت‌ها و چالش‌ها (تاکید موردی صلح سبز)، دانشگاه گیلان.
- خرازی، فردین (۱۳۸۶). شورای حقوق بشر و راهبردهایی درخصوص نحوه تعامل جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۱۲.
- خرازی، فردین (۱۳۸۷). سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی حقوق بشری: راهبردهای پیشنهادی، تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۷). تکوین حقوق بشر در عصر جهانی شدن، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۸). مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
- ربیعی، علی (۱۳۸۲). امنیت ملی، مفهومی در حال تکوین، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۸ (۵ و ۶).
- رهپیک، حسن (۱۳۷۷). امنیت ملی و تحدید حقوقی آن، مطالعات راهبردی، ۱ (۲).
- زارعی محمودآبادی، علیرضا؛ فرهمند، مهناز (۱۴۰۰). روند عرفی شدن در ایران از دوره پهلوی تا انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲ (۲)، ۸۱-۱۰۲.
- سلیمانی، حاجت؛ افشون، مهرداد؛ کیانی نیا، رضا (۱۴۰۰). بررسی مقایسه‌ای انقلاب اسلامی بر مبنای عدالت و حکومت اموی بر بنیان مشروعیت خشونت و زور مداری. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲ (۱)، ۱۳۵-۱۵۷.
- سوری، حسین؛ رنجبر، قاسم؛ محمدی، محمدرضا (۱۴۰۱). تحلیل جایگاه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی دفاعی. مطالعات دفاع مقدس، ۸ (۲)، ۱۶۳-۱۸۳.
- سیدی، فرانک (۱۴۰۰). بازتولید پرسمان مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان در گفتمان انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲ (۲)، ۷-۲۸.
- شریف‌شاهی، محمد و جلالی، محمود (۱۳۹۱). نقش سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر در توسعه حقوق بین‌الملل، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۶ (۲).
- شفیعی سیف آبادی، محسن (۱۴۰۰). تأثیرسنجی قرائت دینی بر خوانش متفاوت از جایگاه اجتماعی زنان در اندیشه گفتمان فقه‌ای و نواندیشان دینی پس از انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲ (۱)، ۸۳-۱۱۰.

- شفیعی فر، محمد؛ صفیاریپور، علی (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی سیاسی دفاع مقدس؛ تثبیت انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۱)، ۲۳-۴۴.
- ظریف، محمدجواد؛ زهرانی، مصطفی (۱۳۸۶). روندهای جدید بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه.
- عباس تبار مقری، رحمت (۱۴۰۲). چشم انداز انقلاب اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی - ایرانی. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۱)، ۷-۲۲.
- عباسی، مجید؛ محمودزاده، فاطمه (۱۴۰۱). تحلیلی بر حمایت ایدئولوژیک ایران از محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا. مطالعات دفاع مقدس، ۸(۲)، ۱۱۵-۱۳۴.
- عبداله‌خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی (جلد ۱)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عبدی، زهرا (۱۳۸۶). حفظ حقوق شهروندی و افزایش امنیت انسانی، برنامه، ۱۴(۱۸۹)،
- عنوانی، سید حامد؛ فخار نوغانی، وحیده؛ سید موسوی، سید حسین؛ حسینی شاهرودی، سید مرتضی (۱۴۰۰). واکاوی تأثیر ابداع «واژه سازی» و «نهاد سازی» در سبک زندگی سیاسی امام خمینی (ره). راهبرد سیاسی، ۵(۱۹)، ۶۳-۸۳.
- غمامی، محمد مهدی (۱۳۸۷). نظم عمومی و الزامات ناشی از حقوق بشر و حقوق شهروندی پایان نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق، گرایش حقوق عمومی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- قالیباف، محمدباقر (۱۳۸۲). تحلیل سیستمی امنیت اجتماعی و راهبردهای مدیریت.
- کریمی، حانیه؛ مدرس، محمد ولی؛ کریمی، غلامرضا (۱۴۰۰). سیاست‌های تهاجمی منطقه ای عربستان در قبال ایران از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰. راهبرد سیاسی، ۵(۱۹)، ۱۶۱-۱۷۸.
- کیاکجوری، کیانوش؛ اسلامی، الماس (۱۴۰۱). ائتلاف سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: از دفاع مقدس تا محور مقاومت.. مطالعات دفاع مقدس، ۸(۲)، ۱۳۵-۱۶۱.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۵). ترتیبات نظارتی سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر: روندهای امروز، افق‌های فردا، پژوهشنامه حقوق بشر، ۱(۱)،
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان (روندها، موردها و واکنش‌ها)، تهران: نشر مرکز
- تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۸). سازمان‌های غیردولتی و فرآیند بررسی دوره‌ای جهانی در شورای حقوق بشر، پژوهشنامه ۴۴ (حقوق بشر ۷)، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.

- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۸). سازمان‌های غیردولتی، گسترش مدام و بی‌وقفه در نظام سازمان ملل، پژوهشنامه ۳۹ (حقوق بشر ۶)، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۹۱). پژوهشنامه ۵۲ (حقوق بشر ۱۰)، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۹۲). پژوهشنامه ۵۳ (حقوق بشر ۱۱)، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۹۲). راهنمای سازمان‌های غیردولتی، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ چهارم.
- اللهیاری، اصغر، ذوالقدر، مالک (۱۳۹۴). آسیب شناسی تاثیر سمن ها بر توسعه سیاسی ایران، با تاکید بر ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، مطالعات منافع ملی.
- مصلحتی کوچصفهانی، حسین (۱۳۷۶). توسعه و امنیت عمومی، تهران: وزارت کشور، جلد دوم.
- میرعباسی، سیدباقر (۱۳۸۷). نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه، جلد اول و دوم.
- نظامی پور، قدیر (۱۴۰۱). هستی شناسی و معرفت شناسی سیاست خارجی ایران دوران دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس، ۸(۱)، ۳۵-۵۹.
- الوانی، مهدی (۱۳۸۱). سازمان غیردولتی و توسعه، مدیریت و توسعه.
- ویلیامز، دی. پل (۱۳۹۲). درآمدی بر بررسی‌های امنیت. ترجمه علیرضا طیب. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- Buzan, Barry. (1998). Security Framework for Analysis. London, Boulder Lynne Rienner.
- "Working with the united Nations Human Rights programme", A Handbook for civil Society, Published by the office of the High Commissioner for Human Rights; New York and Geneva 2008.
- Claude E.; Welch, Jr., NGOs and Human Rights Promise and Performance.
- Edwards, George E. Assessing the effectiveness of Human Rights NGOs from the birth of the United Nations to the 21st century, The attributes of highly successful Human Rights NGOs.
- Fowler and Malunga. Alan and Chiku (2010), NGO Management, London: Earthscan
- Tamang, Amrita (2022), Role of NGOs in the Practice of Human Rights.
- O'Flaherty, Michael (2017), Challenges facing civil society organisations working on human rights in the EU.
- http://www.larouchepub.com/eiw/public/1997/eirv24n45-19971107/eirv24n45-19971107_052-gos_are_a_threat_to_national_se.pdf
- www.ohchr.org/EN/HRBodies/Pages/HumanRightsBodies.aspx
- www2.ohchr.org/English/bodies/hrcouncil/

www.iranembassy.nl/9hogh-bash/gozaresh/971.pdf
www.humanrightsiran.com/fa/News show.aspx?ID=6211